

تفسیر تطبیقی «غض بصر»*

□ محمدفاکر میبیدی**

□ محمدرضا حقیقت سمنانی***

چکیده

در نظام اخلاقی، فقهی قرآن کریم عفاف و حجاب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از جمله روش‌های عفاف و حجاب در قرآن کریم با محوریت «غض بصر» در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور مطرح شده است. این عبارت که در دو آیه از آیات الاحکام قرآن کریم مطرح شده، جایگاه ویژه‌ای در فهم دیدگاه قرآن در ارتباط با نحوه ارتباط زنان و مردان در جامعه دارد و از جمله مستندات فقهی برای فتوا در این زمینه است. همچنین روش عفت و ورزیدن در حیطة نگاه به نامحرم را برای مؤمنین روشن می‌کند. مفسران فریقین از دیرباز تاکنون در معنای این عبارت و متعلق آن اختلاف نظر داشته و تفسیرهای گوناگونی ارائه داده‌اند. برخی معنای لغوی آن را برگزیده و برخی با قرائن عقلی آن را عبارتی کنایی دانسته‌اند. از طرفی متعلق غض بصر در آیه حذف شده که خود بر اجمال معنا افزوده و آراء را متشتت نموده و در نتیجه عده‌ای متعلق غض بصر را جنس مخالف دانسته، برخی نگاه به هر آنچه در شرع نهی شده و گروهی دیگر نگاه به عورت جنس مخالف یا موافق یا هر دو را ذکر نموده‌اند. پژوهش

*. تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۶/۲۰؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵.

** استاد تمام و عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه، گروه قرآن و حدیث (M_faker@MIU.Ac.ir)

*** فارغ‌التحصیل دکتری تفسیر تطبیقی، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)

(Mohammad.Hagh54@yahoo.com)

حاضر با روش تحلیلی انتقادی در صدد است ضمن روشن نمودن مقصود سوره و شأن نزول آن، غض بصر و متعلق آن را به کمک سیاق و قرائن منفصله عقلی و نقلی، روشن سازد، سایر عناصر مهم در آیه ۳۰ و ۳۱ که مرتبط با غض بصر است را تبیین نماید و در این میان آرای مفسران فریقین پیرامون این مسأله را تحلیل و بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: غض بصر، نگاه به نامحرم، آیات الاحکام، تفسیر تطبیقی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

هدف اسلام ایجاد جامعه‌ای پاک است که در فضای عمومی اجتماع، هر لحظه شهوات برانگیخته نشود و جامعه دانا میدانی برای تحریک جنسی نباشد، زیرا تحریک مداوم جنسی به مرور به یک دیوانگی شهوت‌انگیز خاموش منجر می‌شود. نگاه شهوانی به جنس مخالف، حرکات تحریک‌آمیز توسط زنان، آرایش‌های غلیظ، بی‌حجابی و برهنگی... این‌ها ثمری جز التهاب آن دیوانگی حیوانی ندارند. بی‌حیایی و بی‌عفتی ثمری جز از دست دادن کنترل اعصاب و اراده، بی‌بندوباری بی‌قید و شرط و در نتیجه گسترش فساد و فحشا، اولاد زنا، بیماری‌های عصبی و گسترش کلینیک‌های روانشناسی ناشی از محدودیت‌های بعد از تهییج شهوت در پی نخواهد داشت. این تقریباً یک شکنجه اجتماعی به صورت مستمر است. بر همین اساس یکی از ابزارهای اسلام در ایجاد جامعه‌ای پاک، جلوگیری از این تحریکات جنسی در جامعه است تا این تحریکات در محیط سالم خانواده بین زوجین بر اساس فطرت و طبیعت انسان شکل گرفته و نیاز جنسی با قدرت طبیعی خود، بدون تحریک‌پذیری مصنوعی در موقعیتی ایمن و پاک تخلیه و تأمین شود. تمایل فطری بین زن و مرد، تمایل تکوینی عمیقی است که خداوند در وجود انسان به ودیعت نهاده؛ زیرا خداوند امتداد حیات روی این زمین را به انسان که خلیفه اوست اختصاص داده است. قوه شهویه نیز برای بقای انسان در زمین است. قوه شهوت‌گرایش ثابتی در انسان است که مدتی ساکن می‌شود و دوباره فوران می‌کند. هیجان آن در همه حال باعث افزایش فشار آن می‌شود و نیاز طبیعی به تخلیه آن وجود دارد. طبعاً اگر این کار انجام نشود، اعصاب برانگیخته‌شده انسان خسته و آشفته می‌شود و مشکلات گوناگونی در جامعه ایجاد می‌کند. نگاه شهوانی به جنس مخالف از جمله مهم‌ترین عوامل این برانگیختگی بیش‌ازحد و کنترل‌نشده است و راه ایمن نیز کاهش این محرک‌هاست تا این تمایل در حد طبیعی خود باقی بماند و در روابط فی‌مابین زوجین تخلیه شود. این رویکردی است که اسلام برگزیده تا با تهذیب اخلاق و اشتغال انسان به سایر امور و تکالیف مهم دنیوی و اخروی صحنه زندگی اجتماعی، میدان کار و جهاد و عبادت باشد،

نه عرصه‌ای برای نمایش جذابیت‌های جنسی، تحریک شهوات و فساد و فحشا. بر همین اساس خداوند در دو آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور، نمونه‌هایی از روش‌های کنترل و محدودیت تحریکات ناسالم جنسی را بیان نموده که کلیدی‌ترین مفهوم آن «غض بصر» است.

پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی غض بصر از منظر فریقین پرداخته و به روش تحلیلی، آرای مفسران در این زمینه را تبیین، تحلیل و نقد نموده است. ابتدا به غرض سوره نور و جایگاه آیه ۳۰ در سوره نور و کل قرآن و ارتباط با آیات قبل و بعد پرداخته، شأن نزول و سبب نزول آن را مورد بررسی قرار داده است. سپس به واکاوی مفهوم غض بصر از منظر فریقین پرداخته و آرای مختلفی چون غض بصر به معنی ترک نظر، عدم نظر استقلالی و عدم استمتاع از جنس مخالف را بررسی و تحلیل نموده و آنگاه به تدقیق در اجزای مهم آیه پرداخته و معنای «من» در آیه را از منظر مفسران بررسی کرده است. در ادامه، متعلق امر به غض بصر کنکاش شده تا مشخص شود آیا مقصود، نگاه به همه اعضای بدن نامحرم است یا خصوص عورت جنس مخالف مراد است. در پایان نیز دقایق مطرح در آیه، چون نکته «قل للمؤمنین»، جزم «یغضوا»، ارتباط حفظ فرج با غض بصر، تعلیل «ذلک ازکی لکم» و شبهات پیرامون آیه بحث شده است.

در آثاری که تاکنون در این زمینه تألیف شده‌اند یا به طور کلی به بحث عفاف و حجاب پرداخته شده و این آیه به طور ضمنی مورد بحث قرار گرفته، یا آن‌که از جنبه‌های اخلاقی، فقهی و جزاین‌ها به مسأله نگاه شده است. اما پژوهشی که به طور مستقل، غض بصر را به روش تطبیقی بین مفسران شیعه و اهل سنت بررسی نماید نگاشته نشده است.

پیشینه

برخی از مهم‌ترین آثار مرتبط با موضوع این مقاله عبارت‌اند از: مقاله «سیر تشریح حجاب در قرآن کریم» (فاکر و میبیدی، ۱۳۹۹: ش ۵، ۷ - ۳۶) این مقاله در صدد آن است که مسأله

حجاب را از نظرگاه قرآن با استمداد از روایات به روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی و تحقیق قرار دهد تا این بحث اساسی از نگاه مهم‌ترین مصدر تشریح اسلامی تبیین شود.

«جایگاه حجاب در ساختار آیه ۳۱ سوره نور و پیوند آن با کل سوره» (کارگر و بهمنی، ۱۳۹۹: ش ۵، ۹۹-۱۱۱) این تحقیق با مشخص کردن ساختار این آیه و پیوند آن با کل سوره، جایگاه حجاب و عفاف در قرآن کریم را تبیین می‌نماید.

«بررسی تفسیری فقهی آیه «الا ما ظهروا»؛ رهیافت‌های تاریخی، شواهد حدیثی» (ایروانی، ۱۳۹۵: ش ۹۷، ۱۹ - ۴۲). این نوشتار تلاش می‌کند با کمک قرائن درون‌متنی و برون‌متنی و متکی بر مبانی شناخته‌شده تفسیری و فقهی، اجمال ظاهری این بخش از آیه را برطرف سازد. بدین جهت، پس از بیان احتمالات در مقصود از «زینت»، قرائن و شواهد درون‌متنی، فضای نزول و شرایط محیطی و اجتماعی عصر تشریح، شواهد حدیثی (شامل بررسی سندی و محتوایی روایات و تحلیل روایات ناهمگون) و فلسفه پوشش، ارائه گردیده است.

«بررسی تفسیری - فقهی پوشش زنان از منظر فریقین» (داودی لیمونی و علوی، ۱۳۹۸: ش ۱۳۲، ۱۱۷ - ۱۳۸). در این پژوهش واژگان حجاب، خمار و جلباب، از جمله تعابیر خداوند از نوع پوشش انسان‌هاست که در تفاسیر مفسران شیعه و سنی ذیل آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور و آیه ۵۹ سوره احزاب بحث و تبیین گردیده است.

«دلالة سورة النور على مقصد حفظ النسل» (الربابعة و الربابعة، ۲۰۱۵: ج ۴۲، ش ۲، ۴۷۱ - ۴۸۹). این مقاله با توجه به ارتباط سوره به ماقبل و مابعد و ارتباط نکاح با حفظ نسل و سایر مفاهیمی که در سوره در ارتباط با این مسأله آمده غرض سوره را حفظ نسل دانسته و به اثبات آن می‌پردازد.

«نظام اخلاقی عفاف از منظر قرآن کریم بر مبنای سوره نور» (حجازی، ۱۳۹۷: ش ۸۰، ۵۱ - ۶۹). در این مقاله، مدل ارائه‌شده، جامعیت نظام اخلاقی حاکم بر سوره نور با موضوع عفاف را نشان می‌دهد. همچنین استفاده از روش تحلیل محتوا در بررسی آیات سوره نور نشان می‌دهد که حجاب از الزامات نظام اخلاقی عفاف است و چون عینی‌ترین رفتار اخلاقی

در این نظام محسوب می‌شود، می‌توان به‌عنوان شاخص به آن توجه کرد. «شیوه‌های ترویج حیا با محوریت سوره نور مقاله» (خجسته و خرمی نسب، ۱۳۹۸: ش ۳۳، ۴۱ - ۶۷). در این مقاله شیوه‌های فردی و اجتماعی ترویج حیا را در سوره نور، به روش توصیفی و تحلیلی، بیان شده است.

در آثاری که تاکنون در این زمینه تألیف شده‌اند یا به‌طور کلی به بحث عفاف و حجاب پرداخته و این آیه به‌طور ضمنی مورد بحث قرار گرفته، یا آن‌که از جنبه‌های اخلاقی، فقهی و جزاین‌ها به مسأله نگاه شده است. اما پژوهشی که به‌طور مستقل «غض بصر» را به روش تطبیقی بین مفسران شیعه و اهل سنت بررسی نماید نگاشته نشده است؛ امری که پژوهش حاضر به آن اهتمام می‌ورزد.

مفهوم‌شناسی

۱. غض

در تفسیر واژه «غض» چند معنی ذکر شده است: سستی و نقصان در نگاه، بستن پلک‌ها و بازداشتن نگاه. از منظر خلیل فراهیدی، غض به معنی سستی در نگاه کردن است؛ یعنی نگاه کامل و متمرکز نباشد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۳۴۱/۴). بعضی پایین انداختن نگاه را هم ذکر کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۰۸؛ زمخشری، ۱۹۷۹م: ۴۵۱/۱). برخی قید نگاه حرام (طریحی، ۱۳۷۵ش: ۲۱۸/۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۱۱۱/۱۰) و برخی معنای بازداشتن نگاه را هم اضافه نموده‌اند (ازهری، ۱۴۲۱ق: ۶/۸-۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۳۸۳/۴).

چسباندن مژه‌ها به هم، معنای دیگری است که برای غض بیان شده (ابن‌درید، ۱۹۸۸م: ۱۴۶/۱). در نتیجه «غض» هم در بستن کامل چشم و هم در خیره نشدن و کاستن از دید استعمال می‌شود. بنابراین می‌توان گفت دو معنا و دو استعمال در کاربرد «غض» وجود دارد. حال یا هر دوی این استعمالات به یک معنا باز می‌گردد و در جاتش متفاوت است و یا یکی مجازی و دیگری حقیقی است.

۲. بصر

بصر به معنای چشم که عضوی از بدن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۱۱۷/۷) یا حسی که با آن عملیات رؤیت در روح انسان ادراک می‌شود (جوهری، ۱۳۷۶ش: ۵۹۱/۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۲۷) آمده است.

ابن فارس دو اصل برای بصر ذکر کرده که یکی از آن‌ها علم به شیء، یعنی بصیرت نسبت به اشیاء و امور است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲۵۳/۱). طبق بیان عسکری، گفته نمی‌شود «یکی از دو بصر کور است»، بلکه گفته می‌شود «یکی از دو چشم کور است». (عسکری، ۱۴۰۰ق: ۷۴). در نتیجه هر دو معنا برای بصر استعمال شده و با توجه به قرائن کلام باید دید مراد متکلم کدام است.

مباحث مقدماتی تفسیر غض بصر

در این فصل مباحث مهم مرتبط با آیه که جزء تفسیر آیه نیست اما نقش بسزایی در فهم آیه به‌عنوان مقدمه فهم دارد مطرح می‌شود.

۱. مقصود سوره

در ارتباط با مقصود سوره، سه نظریه کلی وجود دارد: ۱. نظریه‌ای که معتقد است مقصود سوره، تذکره نسبت به احکام و معارف الهی متناسب با آن است؛ ۲. نظریه‌ای که معتقد است مقصود سوره نورانی کردن زندگی فردی و اجتماعی انسان است؛ ۳. نظریه‌ای که پاکدامنی و حیا و عفاف را مقصود سوره می‌داند. در این جا به توضیح مختصر این دیدگاه‌ها پرداخته می‌شود.

الف) تذکر نسبت به احکام و معارف الهی

در شرح این نظریه گفته شده است با توجه به این که سوره مبارکه «نور» در مدینه نازل شده،

مشمول بر اصول دین، بخش وسیعی از احکام و حقوق فقهی و اخلاقی است، غرض سوره نیز بیان بخش مهمی از احکام واجب شرعی، همراه با برخی معارف الهی متناسب با آن احکام است که به واسطه آن مؤمنین متذکر می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۹۰ش: ۷۸/۱۵).

ب) نورانی کردن فرد و جامعه

این دیدگاه می‌گوید سوره نور، آثار نور و مظاهرش در قلوب مؤمنین ذکر شده، آثار نور را در، احکام، آداب و اخلاق فردی، خانوادگی و اجتماعی به نمایش گذاشته است؛ آدابی که موجب نورانی شدن قلب و زندگی فردی و اجتماعی انسان می‌شود. این آداب ریشه در نور تکوینی عالم هستی دارد. آداب و اخلاقیات و تکالیفی که در این سوره ذکر شده نشان‌دهنده اهمیت عنصر اخلاقی در تفکر اسلامی است و محور اصلی سوره هم تربیت اخلاقی انسان است که منجر به نورانی شدن قلب و زندگی انسان می‌شود (سیدقطب، ۱۴۲۵ق: ۲۴۸۶/۴).

ج) پاکدامنی و عفاف و حجاب

طبق این دیدگاه، سوره نور، سوره پاکدامنی و عفت و مبارزه با آلودگی‌های جنسی است؛ زیرا قسمت عمده دستوراتش بر محور پاکسازی اجتماع از طرق مختلف از آلودگی‌های جنسی دور می‌زند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۳۵۳/۱۴)؛ زیرا شامل بسیاری از احکام معاشرت مردان با زنان و آداب اختلاط و دید و بازدید است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق: ۱۱۳/۱۸). در این سوره دست‌کم هشت راهکار برای پاسداری از پاکدامنی جامعه بیان شده است؛ از جمله، کنترل نگاه، پوشاندن شرمگاه‌ها و توصیه به پوشش کامل تر زنان مؤمن و آشکار نکردن زینت‌های درونی.... (بهجت‌پور، ۱۳۹۶ش: ۵۹).

۲. ارتباط آیه با آیات قبل و بعد

سوره نور تا آیه ۲۰ درباره احکام مربوط به زنا و گناهان جنسی سخن گفته ابتدا مجازات شدید زن و مرد زناکار و شرط سنگین اثبات قضایی آن را بیان نموده، از آیات ۲۱ تا ۳۳ به احکام

پیش‌گیرانه از انحرافات جنسی پرداخته و احکام عفت‌ورزی در عرصه‌های گوناگون را بیان داشته است (بهجت‌پور، ۱۳۹۴ش: ۴۵۳) به بیان آداب مجالست بعد از ورود در خانه پرداخته، براین اساس شخصی که داخل در خانه دیگران می‌شود باید نگاهش را به خانم‌هایی که در خانه هستند خیره نکند بلکه چنانچه خانمی در مجلس حضور داشت، چشمش را فرو فکند و به وی نگاه نکند مگر در حد ضرورت. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق: ۱۶۳/۱۸). در آیات بعد نیز برای پیش‌گیری از آلوده‌شدن به اعمال منافی عفت، دستور ازدواج سهل و آسان داده شده، تا از طریق ارضای مشروع غریزه جنسی با ارضای نامشروع مبارزه کند، آنگاه تا انتهای سوره به موعظه و نرم‌کردن دل‌های مؤمنان و نقوذ نور احکام در دل آنان می‌پردازد (بهجت‌پور، ۱۳۹۴ش: ۴۵۴).

در نتیجه بحث‌های مختلف سوره انسجام روشنی در بیان هدف عفت و پاکدامنی و پاکسازی از انحرافات جنسی دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۴۳۶/۱۴).

۳. جایگاه آیه در کل قرآن از حیث نزول و سوره

سوره نور با ۶۴ آیه در ترتیب مصحف رسمی در جزء هیجدهم قرآن، در ردیف بیست و چهارم بعد از سوره مؤنون و قبل از سوره فرقان قرار دارد. این سوره در میان مفسران و دانشمندان علوم قرآن فقط به «نور» نامیده شده است. وجه نام‌گذاری به سبب به‌کاررفتن این لفظ در آیه سی و پنجم سوره است. این سوره به نظر غالب مفسران و اندیشمندان علوم قرآن مدنی است، سیاق و مفاد این آیات با فضای مدینه و مخاطبان مؤمن سوره تناسب روشنی دارد. این سوره صد و سومین سوره‌ای است که بعد از سوره نصر و قبل از سوره حج بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است (زرکشی، ۱۴۱۰ق: ۲۸۱/۱، بهجت‌پور، ۱۳۹۴: ۴۵۲؛ خرمشاهی ۱۳۷۷: ۱۲۴۳/۲).

۴. شأن نزول و سبب نزول

روایات شیعه و اهل سنت، سبب نزول و شأن نزول‌هایی برای آیه شریفه نقل کرده‌اند، در شأن

نزول آیه روایات متعدد است، روایاتی که می‌گویند نزول آیه پیرامون حرمت نگاه به فروج است فقط، روایاتی که نزول آیه را به حرمت مطلق نگاه به نامحرم اختصاص داده و روایاتی از اهل سنت که نزول آیه را مربوط به نهی از نشستن در محل رفت‌وآمد بانوان دانسته است.

الف) جوانی که به خانمی بدحجاب نگاه کرد و آسیب دید

بر اساس برخی روایات شیعی به نقل از امام باقر علیه السلام سبب نزول آیه شریفه ماجرای جوانی از انصار است که در مدینه بازنی که مقنعه خود را پشت گوش‌هایش گذاشته بود و طبیعتاً صورت و موهای جلوی صورتش پیدا بود مواجه شد و به وی نگاه کرد تا از کنارش گذشت آن جوان همچنان به او چشم دوخته بود، آنگاه وارد کوچه‌ای شد، از پشت به آن زن نگاه می‌کرد که ناگهان استخوان یا شیشه‌ای که از دیوار بیرون آمده بود، صورتش را شکافت، وقتی زن رفت، آن جوان دید که خون بر سینه و لباسش ریخته، با خود گفت: «به خدا سوگند نزد رسول خدا رفته و ایشان را در جریان می‌گذارم». چون به محضر پیامبر رسید، پیامبر از او پرسید: «چه شده است؟» جوان، حضرت را در جریان امر گذاشت، جبرئیل این آیه را بر پیامبر نازل فرمود (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵/۲۱۵).

در روایات اهل سنت نیز از ابن مردویه از حضرت علی علیه السلام مانند این ماجرا با جزئیات کمتری نقل شده، البته در این نقل وقتی آن جوان ماجرا را برای رسول خدا نقل می‌کند، حضرت می‌فرماید: این جراحتی که بر تو وارد شد عقوبت گناهت بود (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۵/۴۰).

اهل سنت روایات دیگری نیز شبیه به این روایت نقل کرده‌اند مثلاً شخصی به زنی که کشف حجاب کرده بود نگاه کرد و آسیب دید، اما مربوط به زمان صحابه می‌شود، نه زمان نزول آیه (قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۱۲/۲۲۳).

ب) نزول آیه پیرامون حرمت نگاه به فروج فقط

در برخی روایات شیعه حکم غض بصر مربوط به نگاه به عورت دیگری است، طبق روایتی

از امام صادق علیه السلام تمامی مواردی که در کتاب خدای تعالی از حفظ و نگهداری فرج یا عورت سخن به میان آمده منظور خودداری از زنا است جز در این جا که آیه مربوط به حفظ عورت از دیده شدن و نظرکردن نامحرمان به آن است» (قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۰/۲).

همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید: در این آیه خداوند مردان مؤمن را از نگاه کردن به عورت خود و برادرانشان نهی کرده و همین طور از آنان خواسته که اجازه ندهند به عورت آنان نگاه شود (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۵/۲) و روایات دیگری که مشابه این روایات با همین مضمون است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۵/۶۶-۳۰، حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۶۸/۱۵).

ج) نزول آیه پیرامون حرمت مطلق نگاه به نامحرم

روایاتی از شیعه و سنی نقل شده که پیامبر یا اهل بیت علیهم السلام جهت نهی از نگاه به نامحرم به این آیه شریفه تمسک کرده اند.

بر اساس برخی روایات شیعی ذیل آیه شریفه و مستند به آیه شریفه، غض بصر موجب درک عظمت و جلال الهی می شود. از امیر مؤمنان علیه السلام سؤال شد: «برای موفق شدن به کنترل چشم، از چه وسیله ای می توان کمک گرفت؟» فرمود: «به وسیله خضوع و فروافتادگی در زیر سلطه و حکومت کسی که بر باطن تو آگاه است». پیامبر فرمود: «چشمان تان را فروبندید تا عجایب و شگفتی ها را ببینید». عیسی بن مریم به حواریان گفت: «مبادا به چیزهای ممنوع نگاه کنید، زیرا آن بذر شهوات و رویش فسق (گناه) است». و یحیی بن زکریا فرمود: «مرگ برای من دوست داشتنی تر است از نگاهی که واجب و لازم نباشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴/۱۰۱).
علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت فرمود: «یا علی! از پی نظر، نظری دیگر میفکن که حلال نیست تو را مگر نظر اول» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ۶۵/۲).

در روایات اهل سنت نیز ذیل آیه شریفه، روایات نهی از نگاه به نامحرم نقل شده است. ابوسعید خدری، نقل کرده، پیامبر به حضرت علی فرمود از پی نظری دیگر نیفکن. همچنین از پیامبر درباره نگاه ناگهانی سؤال شد، حضرت فرمودند: «نگاه تان را برگردانید» و

در روایات دیگری آمده: «چشم‌تان را ببندید» یا «به زمین نگاه کنید» (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۳۹/۶).

د) نهی از نشستن در محل رفت‌وآمد بانوان

از اهل سنت روایاتی نقل شده که شأن نزول آیه را در ارتباط با حکم نشستن در سر راه رفت‌وآمد خانم‌ها و نهی پیامبر از این کار دانسته‌اند. پیامبر فرمودند: «از نشستن بر مسیر رفت‌وآمد پرهیز کنید، اصحاب پرسیدند چرا ننشینیم و با یکدیگر سخن نگوئیم؟ رسول خدا فرمودند: اگر چاره‌ای ندارید که در مسیر بنشینید و سخن بگوئید پس حق راه را ادا کنید که یکی از آن‌ها غض بصر از نامحرم است (قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲۲۳/۱۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۳۹/۶).

تفسیر آیه از منظر فریقین

در این فصل مباحثی که نقش مستقیم در تفسیر آیه شریفه دارد از منظر فریقین مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. معنای غض بصر

مفسران فریقین برای غض بصر معانی مختلفی بیان کردند که در ادامه بررسی خواهد شد.

الف) ترک نظر

یکی از این معانی ترک نگاه کردن است که خود در بیان مفسرین مصادیق متعددی دارد.

یک. ترک نظر با بستن پلک‌ها

یکی از معانی که در مفهوم «غض» برگرفته از لغت توسط مفسران شیعه و سنی بیان شده روی هم نهادن پلک‌های چشم است که نتواند چیزی را ببیند (فاضل مقداد، ۱۳۷۳ش: ۲۲۰/۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ش: ۱۱۰/۱۵، طوسی: ۴۲۷/۷؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق: ۲۲/۴؛ حقی برسوی: ۱۴۰/۶).

در نقد و تحلیل این نظر می‌توان گفت: مناسبات حکم و موضوع در این جا اقتضا می‌کند بستن کامل چشم مقصود نباشد. زیرا بستن چشم موضوعیت شرعی یا عرفی ندارد، مقصود صرف نظر کردن و نگاه نکردن است. از این رو بستن چشم در این جا کنایه از این است که شخص نگاه نکند.

دو. کاستن از نگاه

تفسیر دیگر، کم کردن و کوتاه نمودن نگاه است، یعنی قلمرو نگاه کم شود؛ چنانچه انسان در حالت عادی به منطقه گسترده‌ای نگاه می‌کند، در هنگام روبه‌رو شدن با زنان نامحرم، قلمرو دید خود را کم کند تا گرفتار نگاه حرام نشود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش: ۱۴/۱۵۷).

نقصان و کاستن از نگاه از دیگر معانی است که مفسران شیعه و سنی برای غض بصر بیان کرده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۶۱/۲۳؛ طنطاوی، ۱۹۹۷م: ۱۰/۱۱۵).

این تعبیر لطیفی است که اگر انسان هنگامی که با زن نامحرمی روبه‌رو می‌شود بخواهد چشم خود را به کلی ببندد ادامه راه رفتن و مانند آن برای او ممکن نیست، اما اگر نگاه را از صورت و اندام او برگیرد و چشم خود را پایین اندازد گویی از نگاه خویش کاسته است و آن صحنه‌ای را که ممنوع است از منطقه دید خود به کلی حذف کرده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۴۳۷/۱۴) یا با نگاهداری و آزاد نگذاشتن چشم (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۲۳/۱۴؛ جصاص، ۱۴۰۵ق: ۱۳۶۵/۳) به واسطه انصراف چشم (قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲۲۲/۱۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۳۸/۶) نگاه نکند.

الف) عدم نظر استقلال

نظریه دیگر این است که مقصود از «غض» کنایه از خیره نگاه نکردن و تمرکز نداشتن است، نه این که چشم را پایین بیندازد؛ به گونه‌ای که به طور کامل نامحرم را نبیند.

ابن عاشور معتقد است، نظر مقصود از غض نظر، منصرف نمودن چشم از خیره شدن و

تثبیت است که از حیاء می‌آید و از آن جاکه غض تام امکان ندارد، در آیه شریفه «مِنْ تَبَعِيضِهِ» آمده تا روشن کند مقصود از این امر دقت نظر و خیره نشدن به نامحرم است. این نکته با توجه به احکام حلال و حرام در این زمینه نیز روشن می‌شود (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۱۶۳/۱۸).

ب) کنایه از عدم استمتاع

کنایه بودن غض بصر از عدم استمتاع حرام از جنس مخالف، نظریه دیگری در این باب است. براین اساس آیه ارتباط مستقیمی به نظر و نگاه ندارد؛ بلکه کنایه از عدم بهره‌گیری جنسی از زنان نامحرم است که نگاه شهوت‌جویانه، لمس و سایر استمتاعات از مصادیق آن است.

استدلال این نظریه آن است که «غَضَّ» و «نَظَرَ» ضدین هستند و طبق نظر مشهور وجود یک ضدّ مقدّمه ترک دیگری است. از این رو امر به «غَضَّ» می‌کند و مراد آن «تَرَكَ النَّظَرَ» است. اما این مقدّمیت غلط است و ضدین هر دو در رتبه واحد هستند و یکی مقدّمه دیگری نیست (خوئی، ۱۴۱۹ق: ۲۵/۳۲-۲۷).

در نقد و تحلیل این دیدگاه باید گفت نظر مشهور در ترک نظر تابع نظریه ضد نیست و فهم عرفی از آیه است. همچنین بر اساس اصالة الحقیقه معنا همان است که در لغت و استعمالات به‌عنوان معنای حقیقی شمرده می‌شود. حمل غض بصر به معنای دست برداشتن و عدم استمتاع از جنس دیگر، حمل لفظ بر معنای مجازی و کنایی است که اصل عدم آن است.

جمع بندی

بنا بر آنچه بیان شد می‌توان گفت بدون شک معنای بستن پلک‌ها مقصود آیه شریفه نیست؛ بلکه آیه کنایه از این است که به نامحرم نگاه حرام نکنند. پس غض بصر عرفاً کنایه از ترک نظر است اما نه مطلق ترک نظر؛ بلکه ترک نظر شهوانی یا امعان نظر.

۲. معنای من

مفسران شیعه و سنی، معانی مختلفی را برای حرف «من» در این آیه ذکر کرده‌اند. در این جا شرح مختصری از این معانی ارائه می‌گردد.

الف) ابتدائیه

برخی از مفسران شیعه معتقدند «من» در آیه برای ابتدای غایت است و معنایش این است که مؤمنین چشم‌پوشی را از خود چشم شروع کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰ش: ۱۱۰/۱۵؛ طوسی: ۴۲۷/۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲۱۶/۷) و یا این‌که غضّ از این جا شروع می‌شود و مربوط به بصر است.

ب) تبعیضیه

گروهی از مفسران شیعه و سنی، من را به قرینه عقلی که امکان ندارد خداوند امر به بستن مطلق چشم کند، تبعیضیه گرفته‌اند؛ به این معنی که «نوعی، گونه‌ای، برخی و بعضی» از دیدها را کاهش دهید.

آلوسی معتقد است، اکثر مفسران من را تبعیضیه گرفته‌اند و مراد از غض بصر، غض از حرام است. من تبعیضیه در این جا کنایه از مستحب بودن برخی نگاه‌ها، حرمت برخی و اباحه برخی دیگر، مانند نظر ناگهانی و بدون قصد است (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۳۳/۹).

فاضل مقداد نیز نوشته است:

غض از جمیع محرّمات واجب نیست، نظر به ماعدای عورت محارم و آنچه عادتاً از صورت زنان نامحرم پیدا است و کفین آن‌ها به هنگام ضرورت جائز است. همچنین نگاه به کنیزانی که برای فروش گذاشته می‌شوند و نگاه طبیب معالج جائز است و نیز نگاه شاهد برای تحمّل شهادت و اقامه آن به نامحرم و نظر به نامحرم هنگام خواستگاری و نگاه اول بدون قصد لذت از جمله نگاه‌های جائز است (فاضل مقداد، ۱۳۷۳ش: ۲۲۲۱).

دسته‌ای دیگر از مفسران شیعه و سنی نیز حرف من را در این جا تبعیضیه گرفته‌اند (ر.ک:

طوسی: ۴۲۷/۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲۱۶/۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۲۳/۱۴؛ قطب راوندی، ۱۴۰۵ق: ۱۲۷/۲؛ جصاص، ۱۴۰۵ق: ۱۳۶۵/۳؛ تفسیر ثعالبی، ۱۴۱۸ق: ۱۸۲/۴).

ج) صله

بر اساس دیدگاه دیگری از مفسران اهل سنت، «مِن» معنای صله می‌دهد و کلمه را به متعلق خود متصل می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۶۱/۲۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۸۶/۷).

د) زائده

گروهی از مفسران شیعه و سنی، معتقدند «مِن» در این عبارت زائده است. در لغت نیز «غَضَّ بَصْرَهُ» یا «مِن بَصْرِهِ» را مانند یکدیگر ذکر کردند و هیچ تفاوتی بین «مِن بَصْرِهِ» و یا «بَصْرَهُ» قائل نشدند (محلّی، ۱۴۱۶ق: ۳۵۶؛ فاضل مقداد، ۱۳۷۳ش: ۲۲۰/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲۱۶/۷).

جمع‌بندی

در جمع‌بندی این دیدگاه‌ها می‌توان گفت با توجه به قرینه عقلی عدم امکان اطلاق امر و روایت سعد اسکاف که بر حرمت نگاه شهوانی دلالت داشت نظریه مشهور که مِّن را تبعیضیه می‌داند به صحت نزدیک‌تر است.

۳. متعلق غض بصر

«بصر» حسی است که به چیزی تعلق می‌گیرد، پس طبیعت بصر متعلق به یک «مبصر» است و هر ابصری نیاز به یک مبصر دارد. طبق قواعد ادبیات عرب اگر این متعلق صریح باشد، با «عن» تصریح می‌شود اما در آیه «عن» وجود ندارد. در چنین مواردی که متعلق محذوف است، عموم و اطلاق فهمیده می‌شود اما در این آیه به‌یقین نمی‌توان چنین عموم و اطلاقی را پذیرفت؛ زیرا در این صورت باید چشم را از ابتدا تا آخر عمر بر همه چیز ببندد که عقلایی نیست.

در یک تقسیم‌بندی کلی متعلق غَض را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱. متعلق غَض هر دو جنس مذکر و مؤنث باشند؛ ۲. فقط جنس موافق باشد؛ ۳. فقط جنس مخالف باشد، که درباره هر یک از این موارد سه احتمال وجود دارد: ۱. جمیع اجزاء آن‌ها؛ ۲. همه اجزاء به غیر از اعضای رئیسه؛ ۳. فقط عورت. در این جا به شرح مختصری پیرامون نظریات مختلف مفسران در این زمینه پرداخته می‌شود.

الف) نگاه به مو، صورت و همه بدن زن نامحرم

برخی مفسران شیعه معتقدند با توجه به سیاق به‌ویژه در آیه ۳۱ که سخن از مسأله حجاب به میان آمده، منظور نگاه نکردن به زنان نامحرم است. شأن نزول نیز این مطلب را تأیید می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۴۳۷/۱۴). به عبارتی تناسب حکم و موضوع، آیه را به زن تخصیص می‌زند. شأن نزول روایت نیز نگاه به چهره و خلف نامحرم بوده است. ظاهر حدیث این است که امر به غض، نهی از مطلق نگاه به اجنبیه است؛ چنان‌که ظاهر بعض روایات، نهی از نگاه به فرج دیگری بود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۱۶/۱۵). همچنین از قرینه تقابل نیز می‌توان کمک گرفت. تقابل مذکر و مؤنث در دو آیه ۳۰ و ۳۱ ظهور در این دارد که هر جنسی با جنس مقابل خود مورد بحث قرار گرفته است. پس نمی‌توان از آیه برداشت عام کرد و در نتیجه قدر متیقن در آن جنس مخالف است.

ب) نگاه به آنچه در شرع نهی شده

گروهی از مفسرین شیعه و سنی معتقدند با توجه به این‌که متعلق غض بصر ذکر نشده، عرفاً باید مقصود نهی از نگاه به هرآنچه شرعاً حرام است باشد (جصاص، ۱۴۰۵ق: ۳۱۱/۴؛ طنطاوی، ۱۹۹۵م: ۱۱۵/۱۰؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۹۲/۱۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲۱۶/۷، فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۶۳/۲۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۳۸/۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲۲۲/۱۲).

براین اساس متعلق، «ما حرّم الله» است؛ یعنی مفروض این است که خداوند نسبت به عورات، چهره، اعضای دیگر و همچنین شرایط التذاذ و عدم التذاذ یک مجموعه احکام حلال

و حرام دارد و این آیه در صدد تأکید این احکام می‌باشد. پس آیه در مقام حکمی که مبین بوده و طرف غضّ را مشخص کند نیست؛ بلکه آیه به نوعی بر این مطلب تأکید می‌کند که ابصار شما باید کنترل شود.

در نقد و بررسی این دیدگاه می‌توان گفت: بنا بر قاعده اصولی که می‌گوید «اصل در جملات و امر و نهی‌های شارع، مولوی و تأسیسی بودن آنهاست، نه ارشاد و تأکید بر چیزی دیگر»، هر جمله‌ای که می‌آید باید مطلب نو و جدیدی را افاده کند، نه این که تأکید بر چیزهای دیگر باشد (خمینی، ۱۳۸۲ ش: ۱/۲۲۵).

ج) عورات

طبق دیدگاه دیگری در شیعه که برگرفته از روایات شأن نزول است متعلق امر به غضّ، نگاه به عورت‌های دیگران به جز همسران است (طوسی، ۷: ۴۲۷؛ قطب راوندی، ۱۴۰۵ق: ۱۲۷/۲).

جمع‌بندی

با توجه به آنچه در نقد نظریه تعلق امر به آنچه حرام است بیان شد می‌توان میان دو نظریه دیگر جمع کرد. بدین صورت که: ۱. مراد حرمت نظر به عورات دیگران به نحو مطلق، به جز همسران است؛ ۲. با انضمام روایت سعد اسکاف به آیه، چنین به دست می‌آید که مراد حرمت نظر همراه با التذاذ و قصد شهوت به تمام اعضاء است.

مباحث پساتفسیر

مباحث پساتفسیر، مباحثی است که پس از تفسیر آیه و مشخص شدن مراد از آن با نگاهی ثانوی اما مرتبط با آیه مطرح می‌شود. این گونه مباحث در توسعه فهم از آیات کمک می‌کنند. مانند سؤالات یا شبهاتی که درباره آیه به ذهن می‌آید یا توسط مفسران بیان شده است. در این جا به چند مبحث از این قبیل پرداخته می‌شود.

۱. نکتهٔ قل للمؤمنین

پیرامون این پرسش که چرا در آیه کریمه، تعبیر «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ» آمده، نظریاتی بیان شده و این باعث پیدایش بحث تازه‌ای شده است.

الف) اختصاص خطاب به مؤمنین

برخی مفسران اهل سنت معتقدند خطاب «قُلْ» تنها متوجه مؤمنین و پیامبر است (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۳۳/۹). فخر رازی وجه اختصاص این امر به مؤمنین را در آن دانسته که غیر مؤمنین، الزامی در غض بصر و حفظ فرج به‌عنوان تکلیف ابتدائی ندارند؛ چون احکام مانند فروع بر اسلام مترتب می‌شود و در ابتدا فقط مؤمنین به آن مأمورند. کفار نیز در ترک این اوامر مستحق عقاب خواهند بود اما مؤمن بدون هیچ مقدمه‌ای در اطاعت اوامر تمکن دارد و کافر تا مقدمه را نیاورد؛ یعنی مؤمن نشود تمکن در امتثال امر ندارد. البته این عدم تمکن، مانع لزوم تکلیف برای کافر نیست (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۶۰/۲۳). همچنین اختصاص این خطاب به مؤمنین بدان جهت است که خداوند اراده کرده با این اوامر مؤمنین را تزکیه کند، و کافر شایستگی چنین تزکیه‌ای را ندارد (همان: ۳۶۳).

ب) عدم اختصاص خطاب به مؤمنین

دیدگاه دیگر در این باره می‌گوید اوامری که در قرآن آمده برخی خطاب به «ناس» است که عموم بشر و جامعه را در بر می‌گیرد و برخی خطاب به «مؤمنین» است که گروه خاص مؤمنان را مخاطب قرار داده است اما چنانچه نظریه توجه تکالیف به کفار را بپذیریم (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵: ۶۱۰/۲) این خطابات هیچ تفاوتی در احکام ندارند و قید «مؤمنین» دایره تکلیف را محدود نمی‌کند؛ زیرا احکام بین همه مشترک است و کفار نیز مأمور به فروع‌اند. وجه تخصیص خطاب به مؤمنان نوعی تشریف مؤمنان می‌باشد و اشاره به این است که عمل به این خطاب، تنجّز، عمل و بهره‌مندی از خطاب اختصاص به مؤمنان دارد.

طنطاوی نیز معتقد است سر توجه خطاب به مؤمنین إشعاری به این است که مؤمنین در ایمانشان صادق‌اند و از شان مؤمنین این است که هرگاه رسول خدا امری به آنان می‌کند به سرعت اطاعت و امتثال می‌کنند. خداوند مؤمنین را به این امر اختصاص داد، چراکه آنان نسبت به سایر مردم اولی به خطاب‌اند. این امر ارشاد به رفع درجه آنان و بالا بردن قدر و شرف آنان است (طنطاوی، ۱۹۹۷م: ۱۱۵/۱۰). پس از باب تشریف به مؤمنین خطاب شده است، نه این‌که غیر مؤمن در این حکم شراکت ندارد.

۲. جزم در کلمه یغضوا

در این باره که چرا این فعل مضارع، حالت جزمی پیدا کرده نیز از سوی مفسران مباحثی مطرح شده است. برخی مفسران شیعه و سنی معتقدند این جزم به منزله جواب شرط است؛ چون بعد از امر قرار گرفته، یعنی «تو به آن‌ها امر کن که این کار را انجام دهند و آن‌ها هم این کار را خواهند کرد». در واقع یک امر در میان این «قل» و «یغضوا» محذوف است. امر غایی است که «لام» ابتدای آن حذف شده است. در واقع عبارت «لیغضوا» بوده اما لام امر از آن حذف شده است (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۳۳/۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۱۰/۱۵؛ فاضل مقداد، ۱۳۷۳ش: ۲۲۰/۲).

۳. حفظ فرج و ارتباط آن با غض بصر

ارتباط میان حفظ فرج و غض بصر را بر دو محور می‌توان بررسی کرد؛ یکی براساس نظریه کسانی که معتقدند متعلق غض بصر فرج است و دیگری مفسرانی که متعلق آن را فرج ندانسته‌اند.

الف) متعلق غض بصر فرج باشد

مقابله‌ای که میان «یغضوا من أبصارهم» با «یحفظوا فرجهم» وجود دارد، این معنا را می‌رساند که مراد از حفظ فرج، پوشاندن آن از نظر نامحرم‌ان است، نه حفظ آن از زنا و

لواط. از این رو می‌توان امر به غض بصر را با امر به حفظ فرج تعمیم کرد و گفت مدلول آیه نهی از نظر کردن به عورت و امر به پوشاندن آن است (طباطبایی، ۱۳۹۰ش: ۱۱۰/۱۵).

ب) حفظ فرج اعم از نگاه باشد

عمده از مفسران شیعه و سنی حفظ فرج را عام دانسته‌اند و معتقدند مراد، حفظ فرج از هر حرام و فاحشه‌ای، همچنین آشکار کردن عورت و در معرض دید قرار دادن آن است (زمخشری، ۱۹۷۹م: ۲۲۹/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲۱۶/۷؛ طوسی: ۴۲۷/۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۶۳/۲۳).

ج) نتیجه ارتباط نگاه با حفظ فرج

از آن‌جا که نگاه مقدمه زناست امر به حفظ فرج بعد از امر به غض بصر آمده (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق: ۱۶۳/۱۸) و در غض بصر، سد باب شر است. بسیاریند شروزی مانند زنا که باب ورود به آن‌ها نگاه است. مراد از حفظ فرج حفظ از آشکار کردن آن است و امر به تستر برای حفظ از آشکار شدن در برابر دید دیگران است که ارتباط مستقیم با غض بصر دارد (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۳۴/۹). در امر به غض بصر ادب شرعی عظیمی در دور کردن نفس از آگاهی یافتن از چیزی است که او را به حرام می‌اندازد یا مکلفش می‌کند که در برابر آن گناه صبر شدیدی نماید (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق: ۱۶۳/۱۸).

در هر دو صورت می‌توان گفت غض بصر از سوی مردان تلاشی برای چیره‌شدن بر رغبت درونی‌شان نسبت به اطلاع یافتن از محاسن صورت و جسم جنس مخالف و قلبی است بر اولین پنجره از پنجره‌های فتنه و گمراهی و کوششی عملی برای جلوگیری از اصابت تیر مسموم شیطان است. بر این اساس حفظ فرج ثمره طبیعی غض بصر و گامی در راستای تحکیم اراده در برابر شهوات جنسی است. از همین رو خداوند بین غض بصر با حفظ فرج در این دو آیه جمع نموده، چراکه میان آن دو رابطه سبب و نتیجه برقرار است (سیدقطب، ۱۴۲۵ق: ۲۵۱۲/۴). طنطاوی نیز معتقد است سبب جمع بین غض بصر با حفظ فرج، رابطه

سبب و نتیجه میان آن دو است؛ چراکه عدم غض بصر در بسیاری از موارد به افتادن در فواحش کشیده می‌شود. از این رو خداوند امر به غض بصر را بر امر به حفظ فرج مقدم کرده (طنطاوی، ۱۹۹۷م: ۱۱۵/۱۰).

۴. تعلیل ذلک ازکی لهم

«ازکی» از ماده «زکات» اخذ شده، معنای آن پاکیزگی و پیراستگی است. احتمال دیگر این است که به معنای رشد باشد. بنا بر احتمال اول، معنای عبارت این است که «این عمل و کنترل چشم مایه پیراستگی بهتر و پاکی آنهاست»؛ چراکه نگاه از مهم‌ترین مزاحم‌های رشد روحی و تعالی بشر است. طبق معنای دوم معنای «ازکی لهم» این است که «موجب رشد آنها خواهد شد».

مفسران شیعه و سنی معتقدند آیه شریفه دو امر مهم غض و حفظ را برای مؤمنین «ازکی» دانسته، یعنی این‌ها در برابر آلودگی‌های ناشی از گناهان جنسی، اطهر، یا برای دین و دنیا انفع است؛ زیرا نگاه حرام مقدمه زناست که در آن مضار دینی و دنیوی نهفته است. وزن أفعال در این جا برای مبالغه است، نه تفضیل؛ البته برخی محتمل دانسته‌اند که تفضیل باشد. به این معنی که «از هر چیز نافع یا مبعده از ریه‌ای ازکی است» (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۳۴/۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۶۳/۲۳). ابن‌عاشور نیز معتقد است اسم تفضیل ازکی «مسلوب المفاضله» است و مراد از آن تقویت تزکیه است؛ چراکه این تزکیه سپری در برابر ارتکاب گناهان عظیمی است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق: ۱۶۴/۱۸) و علت این که اسلام از این کار که با شهوت و خواست دل بسیاری هماهنگ است نهی کرده، آن است که برای مؤمنین بهتر و پاکیزه‌تر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۴۳۸/۱۴).

۵. شبهه عدم وجوب غض بصر، به جهت تفضیلی بودن ازکی

کلمه «ازکی» اسم تفضیل است و بنابراین معنای جمله چنین خواهد بود که «غض بصر و

حفظ فرج موجب پاکی بیشتر آن‌ها خواهد بود». شبهه آن است که این تعبیر با وجوب سازگاری ندارد و با استحباب سازگارتر است. به این معنا که اگر غص و حفظ را انجام دهند موجب پاکی و طهارت بیشتر برای ایشان می‌گردد. از این رو چنین احتمالی ایجاد شده است که «أزکی» ظهور امر را از وجوب به سمت استحباب سوق می‌دهد.

جواب این شبهه آن است که صیغه افعال تفضیل در قرآن هم برای تفضیل و ترجیح و هم برای تعیین و الزام به کار رفته است و فهم مقصود از آن بستگی به دلالت قرائن دارد. نظیر تعبیر «لا جُنَاحَ» که در اصطلاح قرآن گاهی برای الزام آمده است؛ یا کلمه «اولی» در آیه (أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ) که کاربرد غیر تفضیلی دارد.

در آیه ۳۰ سوره نور نیز متفاهم عرفی و به‌ویژه با توجه به شأن نزول، وجوب غص و حفظ است. شأن نزول این آیه در روایت سعد اسکاف آمده و این قرینه‌ای است بر این که «أزکی» به معنای افعال تفضیل اخذ نشود؛ بلکه بر الزام حمل گردد. پس «أزکی لَهُمْ» یعنی این که غص و حفظ، موجب پاکی آن‌ها می‌باشد، نه این که آن‌ها را پاک‌تر کند.

گرچه می‌توان گفت حتی اگر «أزکی» افعال تفضیل باشد نیز با وجوب سازگار است. به این بیان که مؤمنان با غص ابصار و حفظ فروج، پاک‌تر می‌شوند؛ اگرچه درجه‌ای از پاکی به واسطه نماز و روزه و واجبات دیگر برایشان وجود دارد. در واقع این پاک‌تر شدن از باب ندب و رجحان نیست؛ بلکه معنای وجوب دارد و تعبیر «پاک‌تر» به این جهت است که مؤمنان در واقع «پاک» اند اما با این اعمال «پاک‌تر» می‌شوند.

نتیجه

پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی غص بصر در سوره نور از منظر فریقین پرداخت و در این راستا به نتایج زیر دست یافت.

۱. از منظر مفسران فریقین «غص» هم در بستن کامل چشم و هم در خیره‌نشدن و کاستن از دید استعمال شده است. بصر نیز هم در قوه بینایی و هم عضوی که چشم نام دارد استعمال

شده است. در نتیجه غض بصر هم می‌تواند به معنای بستن پلک‌ها برای ندیدن و هم به معنای عدم تمرکز قوه بینایی نسبت به دیدن چیزی استعمال شود.

۲. مفسران فریقین برای غض بصر معانی مختلفی بیان کرده‌اند؛ از جمله ترک نظر که خود مصادیقی چون ترک نظر با بستن پلک‌ها، کاستن از نگاه و منصرف کردن چشم دارد. همچنین عدم نظر استقلالی و کنایه بودن از عدم استمتاع، تفاسیر دیگری است که از غض بصر شده است. به نظر می‌رسد آیه به یقین در صدد بیان این نیست که «در برابر نامحرم چشم را کامل ببندید»؛ بلکه کنایه‌ای است از این که انسان به نامحرم و جنس مقابل، نگاه حرام نکند.

۳. مفسران فریقین برای «مِن» معانی گوناگونی مثل «ابتدائیه»، «زائده»، «صله» و «تبعیضیه» ذکر کرده‌اند اما با توجه به قرآن عقلی و نقلی و براساس نظر مشهور، مِّن در آیه شریفه، تبعیضیه است؛ یعنی غض بصر از برخی اقسام نگاه که نگاه حرام یا نظر شهوانی و خیره‌شدن باشد مراد است.

۴. «بصر» حسّی است که به چیزی تعلق می‌گیرد و نیاز به متعلق دارد. متعلق امر به غض بصر در آیه شریفه نیامده و طبق قواعد ادبیات عرب در چنین مواقعی، حمل بر عموم می‌شود اما در این جا به قرینه عقلی چنین معنایی محال است. در نتیجه آرای گوناگونی در متعلق غض بصر از سوی مفسران فریقین بیان شده است. تعلق این امر به «هرآنچه دیدنش حرام است»؛ «همه اعضای زن نامحرم» و «عورت جنس مخالف» از جمله این دیدگاه‌هاست. اما با توجه به روایت سعد اسکاف می‌توان گفت حرمت نظر به تمام اعضای نامحرم، همراه با التذاذ و قصد شهوت، مراد است.

کتابنامه

قرآن کریم

- آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی*، دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون أخبار الرضا*، تحقیق و تصحیح مهدی لاجوردی، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.
- ابن درید، محمد بن حسن، *جمهرة اللغة*، دار العلم للملایین، چاپ اول، بیروت، ۱۹۸۸م.
- ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق و تصحیح عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۰۴ق.
- ابن عاشور، محمدطاهر، *التحریر و التنویر*، مؤسسه التاریخ العربی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۰ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق محمدحسین شمس الدین، دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، بیروت، ۱۴۱۹ق.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی ایران، مشهد، ۱۴۰۸ق.
- ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۱ق.
- اشکوری، محمد بن علی، *تفسیر شریف لاهیجی*، دفتر نشر داد، تهران، ۱۳۷۳ش.
- ایروانی، جواد، «بررسی تفسیری فقهی آیه «الا ما ظهرا»» *مجله علمی پژوهشی علوم قرآن و حدیث*، شماره ۹۷، وزارت علوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ش.
- بهجت پور، عبدالکریم، *شناخت نامه تنزیلی سوره های قرآن کریم*، مؤسسه تمهید، قم، ۱۳۹۴ش.
- _____ *سیر فرهنگ سازی پوشش اسلامی* (با رویکرد تفسیر تنزیلی)، مؤسسه تمهید، قم، ۱۳۹۶ش.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، *تفسیر الثعالبی*، تحقیق علی محمد معوض، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق.
- ثعلبی، احمد بن محمد، *الکشف و البیان*، تحقیق ابی محمد ابن عاشور، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
- تقفی تهرانی، محمد، *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*، برهان، تهران، ۱۳۹۸ق.

- جصاص، احمد بن علی، *احکام القرآن*، تحقیق محمد صادق قمحوی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، تحقیق و تصحیح احمد عبدالغفور عطار، دار العلم للملایین، چاپ اول، بیروت، ۱۳۷۶ق.
- حجازی، سیده شیرین، «نظام اخلاقی عفاف از منظر قرآن کریم بر مبنای سوره نور»، *مجله علمی پژوهشی مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۸۰، وزارت علوم، تابستان ۱۳۹۷ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۰۹ق.
- حسن الربابعة، أحمد؛ مجلی الربابعة، محمد، «دلالة سورة النور على مقصد حفظ النسل»، *مجله دراسات علوم الشريعة والقانون*، المجلد ۴۲، العدد ۲، ۲۰۱۵م.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، *تفسیر روح البیان*، دار الفکر، بیروت، [بی تا].
- خجسته، نجمه، خرمی نسب، الهام، «شبهه‌های ترویج حیا با محوریت سوره نور مقاله»، *مجله علمی ترویجی اخلاق*، شماره ۳۳، (حوزه علمیه)، بهار ۱۳۹۸ش.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، دوستان - ناهید، تهران، ۱۳۷۷ش.
- خویی، سید ابوالقاسم، *موسوعة الإمام الخوئی*، مؤسسه احیاء آثار امام خوئی، قم، ۱۴۱۹ق.
- داودی لیمونی، سعید؛ علوی، سیده مرضیه، «بررسی تفسیری - فقهی پوشش زنان از منظر فریقین»، *مجله مطالعات قرآنی نامه جامعه*، شماره ۱۳۲، زمستان ۱۳۹۸ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، دار القلم، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، «تفسیر قرآن مهر»، *پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن*، قم، ۱۳۸۷.
- زیبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس*، تحقیق و تصحیح علی شیری، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- زرکشی، محمد بن عبد الله، *البرهان في علوم القرآن*، دار المعرفة، بیروت، ۱۴۱۰ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- _____، *أساس البلاغة*، دار صادر، چاپ اول، بیروت، ۱۹۷۹م.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الدر المنثور*، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی رحمته، قم، ۱۴۰۴ق.
- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان*، مؤسسه‌ی اعلی‌المطبوعات، چاپ دوم، بیروت، ۱۳۹۰ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *معجم البیان في تفسیر القرآن*، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
- _____، *تفسیر جوامع الجامع*، تصحیح ابوالقاسم گرجی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۲ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، *معجم البحرین*، تحقیق و تصحیح احمد حسینی اشکوری،

- نشر مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ش.
- طنطاوی، محمد سید، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، نهضة مصر، قاهره، ۱۹۹۷م.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح احمد حبیب عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- عسکری، حسن بن عبدالله، *الفروق فی اللغة*، دار الافاق الجدیدة، بیروت، ۱۴۰۰ق.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۳ش.
- فاکر، فاطمه؛ فاکر میبدی، محمد، «سیر تشریح حجاب در قرآن کریم»، *مجله مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت*، سال سوم، شماره ۵، ۱۳۹۹ش.
- فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۲۰ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، نشر هجرت، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۹ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، ناصر خسرو، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴ش.
- قطب راوندی، سعید بن هبه الله، *فقه القرآن*، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته، قم، ۱۴۰۵ق.
- قطب (سید قطب)، ابراهیم، *فی ضلال القرآن*، دار الشروق، چاپ ۳۵، بیروت، ۱۴۲۵ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، تحقیق و تصحیح طیب موسوی جزائری، دار الکتاب، قم، ۱۴۰۴ق.
- کارگر، حبیب؛ بهمنی، زهرا، «جایگاه حجاب در ساختار آیه ۳۱ سوره نور و پیوند آن با کل سوره»، *مجله مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت*، سال سوم، شماره ۵، ۱۳۹۹ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- محلی، محمد بن احمد، *تفسیر الجلالین*، تحقیق عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، مؤسسه النور للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۶ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، دار الکتب الإسلامیة، چاپ دهم، تهران، ۱۳۷۱ش.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، *تهذیب الأصول*، تقریر جعفر سبحانی، اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۲ش.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت*، مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، قم، ۱۳۹۵ش.



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز